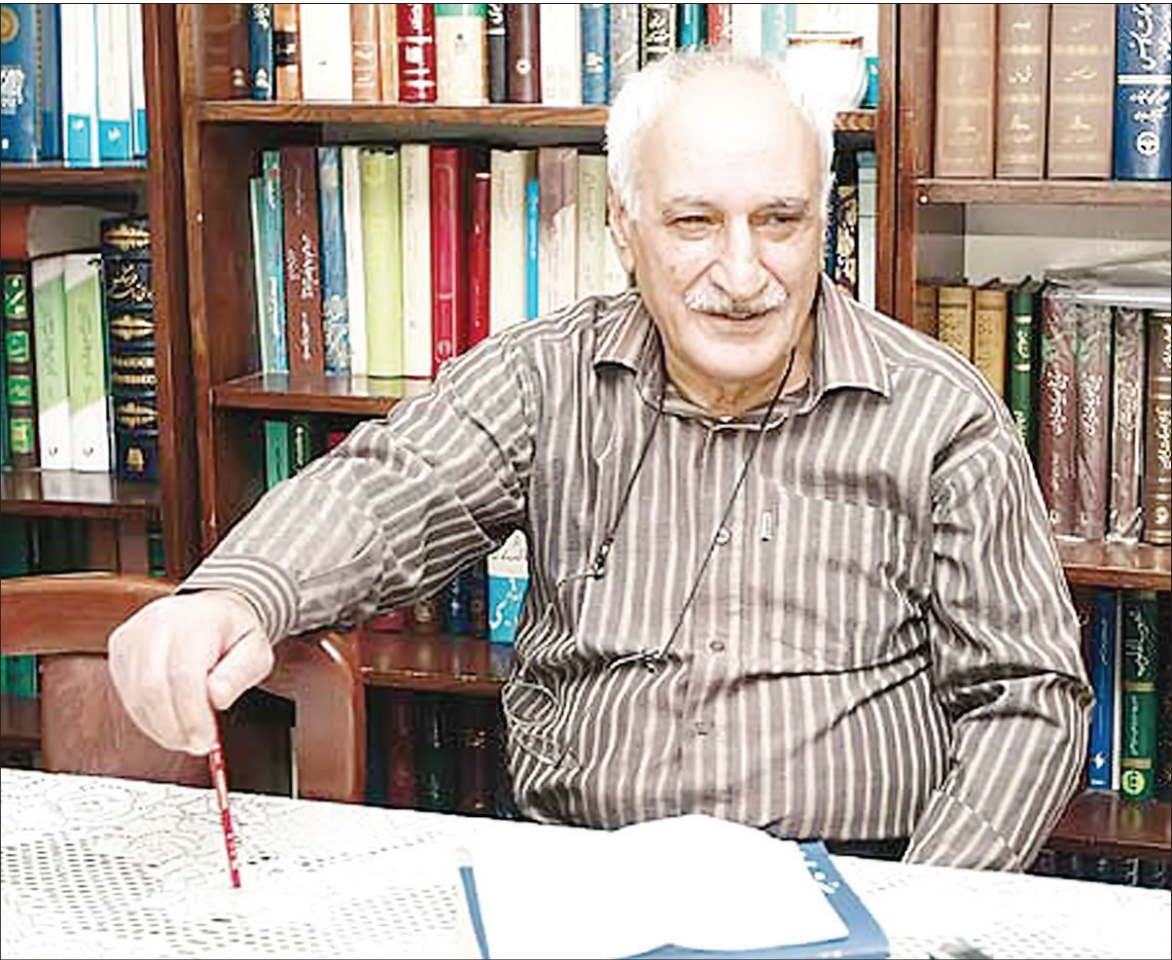


در گفت و گوی «شهروند» با حسن انوشه مطرح شد

ادبیات ایران یکسره عبرت است



| طرح نو| حمیدرضا عظیمی | آنتور که اهالی فن و پژوهشگران می گویند، در سنت ادبی ایران، رگ‌های پرننگی از اخلاقیات به وفور دیده می‌شود. آثار مختلفی در این زمینه وجود دارد که می‌توان وجود چنین مواردی را به آن، مراجعت داد. «حسن انوشه» پژوهشگر تاریخ و زبان و ادبیات فارسی و سر پرست گروه مؤلفان «اندشنامه ادب فارسی» است. این موضوع را بهانه قرار دادیم تا با او به گفت و گو بنشینیم. انوشه، تحصیلاتش را در دانشگاه تهران در رشته زبان و ادبیات عرب به‌انجام رسانده و عضو هیأت امنای بنیاد فردوسی نیز هست. خلاصه این گفت‌وگور ادرامه‌هی خوانید:

-
-
-

• در سنت ادبی ایران اخلاقیات به‌ویژه جوانمردی واز این قبیل موارد بسیار مطرح شده است. یک نمونه آثار سعدی علیه‌الرحمه است که در بوستان و گلستان به صورت ویژه به این موضوع پرداخته‌است. آغاز بحثمان از این نقطه باشناگر موافقید؟

شما نام دو کتابی را بردید که از این حیث بسیار اهمیت دارد. دو کتاب گلستان و بوستان از جمله کتاب‌هایی است که هر دو اینها در فصول مختلف خود به تبع ادب پارسی که در آثار مختلف دیده می‌شود، ارزش‌های اخلاقی را به صورت ویژه مورد نظر قرار داده و از جمله کتاب‌های بسیار مهم تعلیمی-

آموزشی زبان فارسی بوده‌هستند. این دو کتاب از قدیم در مکتبخانه‌ها تدریس شده است و جامعه قدیم ایران که به‌طور مشهود از جامعه امروزی ما اخلاق مدارت بوده، از این کتاب‌ها (به رقم برخی اشارات ظاهرا غیراخلاقی‌ای که گاهی در آن وجود دارد) بهره برده‌است. یکی از نقدهایی که ممکن است بر این دو کتاب باشد، برخی اشارات غیراخلاقی

است و بازنمایی رفتارهای ضداخلاقی، ایثار می‌کند و رفتار بسیار اخلاقی از خودنشان می‌دهد به عبارتی سعدی وقتی او از عملی ضداخلاقی صحبت به میان می‌آورد و به آن طوری اشاره می‌کند که گویی خود او آن عمل را انجام داده است، درواقع منظورش نیست که سعدی آن عمل غیراخلاقی را مرتکب شده است بلکه او فداکاری می‌کند و چون می‌خواهد، وجود عمل را در جامعه نشان دهد و زشتی آن را بازنماید، الا بر وجود آن تأکید می‌کند و تائیا با فداکاری، آن عمل را به خود نسبت می‌دهد؛ و آیازبان این دو تفاوت‌هایی باهم دارد؟

پیش از هر چیز این موضوع را تکرار می‌کنم که باید تمام قد از سعدی دفاع کرد به این دلیل که هم زبان شریفی دارد و هم در مقام بی‌اخلاقی، آن را به خود نسبت می‌دهد و فداکاری می‌کند. زبان سعدی یکی از فاخرترین نمونه‌های فارسی است. بوستان که سراسره این موضوعات پرداخته‌است، در مقایسه بین بوستان و گلستان هم باید گفت: گلستان برخلاف این‌که در قالب نثر تولید شده، از بوستان شاعرانه‌تر است اما بوستان این تفاوت را دارد که سراسر، اخلاق است و هیچ یک از ابواب آن عاری از اخلاق نیست. سعدی گاهی اوقات، حکایت‌هایی می‌گوید که حیرت‌انگیز است مثلاً به این نمونه‌توجه کنید:

سگی پای‌صحرائشینی گزید
به خمشی که زهرش زندنان چکید
شب‌از دردیبچاره خوایش نبرد
به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر اجفا کرد و تندى نمود
که آخر تو نیز اندنن نبود؟

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

سعدی و «تعلیم و تربیت»

می‌کند و با زبانی ابهام‌گونه بد گه‌بری فرزندان را به پدرانشان نسبت می‌دهد.

مقایسه و نتیجه‌گیری از تأثیر محیط و توارث:

نکته مهمی که قبل از پرداختن به عامل موثر سن در تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی باید به آن توجه کرد این است که شیخ‌اجل برای محیط و وراثت گاه نقش مکمل و هم‌عرضی قابل است و گاه یکی را بر دیگری برتری می‌دهد. نظریه پرآذان علوم‌فقرتاری هم عقیده دارند که شخصیت به وسیله هردو عامل وراثت و محیط شکل می‌گیرد. سعدی نیز در جایی عامل محیط و در جایی دیگر عامل وراثت را مقدم می‌داند.

نه‌این‌که معتقدباشد محیط‌نسبت به توارث کم‌اثرتر است، بلکه می‌گوید اگر محیط قبلی، انسان را فاسد کرده‌باشد، یا تربیت‌شونده در محیط مناسب و جدید مقاومت کند یا این‌که زمینه ذهنی برای تربیت در محیط جدید وجود نداشته باشد، درنتیجه اثر تربیتی محیط جدید کمتر و موفقیت در این امر اندک است؛ بنابراین لازمه تأثیرپذیری در محیط مناسب و جدید این است که زمینه عینی و ذهنی قبلی نیز فراهم شده باشد(ذکر جمیل سعدی، ج: ۱: ۳۸).

اهمیت سن یادگیری در تعلیم و تربیت
در شیوه‌ها و مراحل مهم تعلیم و تربیت، سعدی از جمله آن گروه صاحب‌نظران تربیتی است

دریغ امدم کام‌وندن خویش
محال است اگر تیغ بر سر خورم
که دندان به پای سنگ‌اندربرم

توان کرد با ناکسان بدرگی
ولیکن نیایدز مردم‌سگی

این حکایت از آن حکایت‌هایی است که مورا بر تن آدم‌راست می‌کند؛ حداقل من چنین تجربه‌ای داشتم و هر وقت این حکایت را خواندم چنین اتفاقی برایم افتاده است. از بس این حکایت عبرت‌آموز و پندآموز است.

• عده‌ای قابل به تقسیم‌بندی در اسباب آثار سعدی هستند و می‌گویند او در آثار خود نوعی از تقسیم‌بندی را میسان طبقات مختلف اجتماعی انجام داده و طوری پند و اندرز می‌دهد که نتایجش برای رشد اخلاقی، همه طبقات اجتماعی جامعه را پوشش دهد؟

این حرف بسیار درستی است و چنین تقسیم‌بندی‌ای در آثار سعدی دیده می‌شود. نکته دیگری که باید به آن اشاره کرد این است که اخلاق سعدی به‌قول امروزی‌ها، اخلاق «سوسولی» نیست او اخلاقی کاملاً طبیعی دارد. به آدم می‌گوید در جامعه این سری اخلاق‌ها مذموم است و باید آن را رعایت کنی. اخلاقش، اخلاقی نیست که در آن باید از جامعه کنار یکشد، از موضوعات پس بکشد و گوشه‌گیری اختیار کند؛ او انسان را وارد جامعه می‌کند و به‌نظر من زیاتر بین‌پیامه‌های سعدی در همین نوع بیان مشکل می‌گیرد او انسان را موجودی بسیار طبیعی می‌بیند و همان‌طور که هست؛ او را چیزی فوق‌العاده و جدانمی‌داند و حتی انسان را فراتر از انسان همنجی‌بیند.

• به نظر می‌رسد سعدی در مسیر توسعه اخلاق در جامعه نوعی زبان شمات گون را هم دارد؛ به‌ویژه در مقابل آدم‌های که شبیه زهد برگزیده‌مانند یا رنگ و لعابی از تقدس به خود می‌دهند. آیا چنین برداشتی درست‌است؟

بله، سعدی شماتت می‌کند و این زبان را برای اهالی قدرت نیز به کار می‌برد. نمونه‌ای زیبا در این باره قابل اشاره است. درویشی مستجاب‌الموهه در بغداد پدید آمد. حجاج یوسف را خبر کردند. بخواندش و گفت: دعای خیری بر من بکن! گفت: خدایا! جاش بستان! گفت: از بهر خدای این چه دعاست؟ گفت: این دعای خیر است تورا و جمله‌مسلمانان را.

ای بز دست زیر دست آزار
گرم تاکی بماند این بازار؟

به‌چه کار آیدت جهاندری؟

مردنت به که مردم آزاری
در این نمونه در مقابل صاحب قدرت دیگر شماتت نمی‌کند، در قالب دعا، نفرین می‌کند و از این نفرین بالاتر نیست. یا این نمونه دیگر که یکی از ملک بی‌انصاف پارسایی را پرسید: از عبادت‌ها کدام فاضل‌تر است؟ گفت: تورا خواب نیمروز تا در آن یک نفس خلق رانیزازی؛

ظالمی راخته‌دیدم تیر فتنه‌است خویش برده
گفتم این فتنه‌اش چیست است خویش برده
وآنکه خویش بهتر از بیداری است

آن چنان بدزدگانی مرده‌به
اینها دیگر شماتت نیست، پر خاش است و اعتراض. ولی همه این پر خاش‌ها یا اعتراض‌ها و عصیان‌ها، پر خاشی آموزنده‌است.

• صرف نظر از آثار سعدی، کتاب‌های دیگری علیه‌الرحمه، با چه زبانی در بوستان و گلستان، جوانمردی و دیگر سجایای اخلاقی را باز تاب می‌دهند؛ و آیازبان این دو تفاوت‌هایی باهم دارد؟

پیش از هر چیز این موضوع را تکرار می‌کنم که باید تمام قد از سعدی دفاع کرد به این دلیل که هم زبان شریفی دارد و هم در مقام بی‌اخلاقی، آن را به خود نسبت می‌دهد و فداکاری می‌کند. زبان سعدی یکی از فاخرترین نمونه‌های فارسی است. بوستان که سراسره این موضوعات پرداخته‌است، در مقایسه بین بوستان و گلستان هم باید گفت: گلستان برخلاف این‌که در قالب نثر تولید شده، از بوستان شاعرانه‌تر است اما بوستان این تفاوت را دارد که سراسر، اخلاق است و هیچ یک از ابواب آن عاری از اخلاق نیست. سعدی گاهی اوقات، حکایت‌هایی می‌گوید که حیرت‌انگیز است مثلاً به این نمونه‌توجه کنید:

سگی پای‌صحرائشینی گزید
به خمشی که زهرش زندنان چکید
شب‌از دردیبچاره خوایش نبرد
به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر اجفا کرد و تندى نمود
که آخر تو نیز اندنن نبود؟

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

آموزه‌های اخلاقی در سنت ادبی



اگر متون متعدد ادبیات فارسی را مورد مذاقه و بررسی قرار دهیم، آموزه‌های بسیاری را مشاهده خواهیم‌کرد. به‌لحاظ طبقه‌بندی کلی محتوای این متون، می‌توان به چند دسته و چندنوع رسید؛ یک دسته از این آموزه‌ها، دسته‌ناظر به واقعیت است که actual نامیده می‌شوند. دسته دیگر، جنبه ارزشی یا توصیه‌ای دارند و به نوعی می‌توان آنها را دستورالعمل‌نامید.

یک دسته از این آموزه‌ها را خود عرفا مطرح کرده‌اند. یعنی نظر ابداعی خودشان است. دسته دیگر را البته عرفا، وام گرفته‌اند؛ مثلاً بخشی از متون عرفانی ما اختصاص پیدا می‌کند به عقایدی که مسلمانان درباره یک مقوله دارند. به‌طور مثال اگر کتاب «مصباح‌الهدایه» عزالدین محمود کاشانی را در نظر بگیرید، در قسمت آغازین این کتاب، مانند یک کتاب کلامی، موضوعات کلامی را مطرح کرده و به آنها پرداخته‌است. در این‌جا عزالدین نظرات خود را بیان و ابداع نظر می‌کند و در جایی که نظری نمدار، نظرات دیگران را از آنها وام می‌گیرد. روی هم رفته، وقتی به کل این متون نگاه می‌کنید، در کل این مباحث، ۴ مسأله مطرح شده است؛ یعنی درواقع اینها در قالب ۴ رابطه «انسان با خدا»، «انسان با خود»، «انسان با سایر انسان‌ها» و رابطه «انسان با طبیعت»، مورد توجه قرار گرفته‌است. منتهی، نگاه عرفا به این مقولات، از یک جهت با مسائل اخلاقی، اشتراک‌کنظر دارد و

یادداشت آخر

از جهت دیگر، با مسائل فقهی، امام‌در تمام اینها، نگاه عرفا، نگاهی حداکثری است. آنها به حداقل قناعت نمی‌کنند. به‌طور مثال، یکی از مقام‌های عرفا، مقام صبر است؛ اما عرفا به اندازه‌ای که علمای اخلاق به مقوله صبر می‌پرزاند و آن را توصیه می‌کنند، نمی‌پرزاند بلکه بسیار فراتر به آن می‌پرزاند. لذا وقتی می‌گوییم که نگاه عرفا نگاه حداکثری است، منظورمان همین نکته‌ای بود که ذکر شد.

موضوع دیگری که وجود دارد، مرور زندگی عرفا است که البته تذکر‌نویسی آنها مثل زندگینامه‌های رسمی نیست. معمولاً آنچه که از زندگی عرفا استنباط می‌کردند برایشان جالب بود یا مهم می‌پنداشتند از ذکر می‌کردند. در این میان، می‌توانیم «تذکر‌الاولیا»، عطار را مثال بزنیم؛ یا «طبقات‌الصوفیه»، خواجعه‌عبدالله انصاری. آنچه که در این تذکر‌ها از عرفا ذکر می‌شود، عمدتاً روایت تجارب عرفانی آنهاست. نکته‌ای که باید به آن اشاره کنم، این است که عرفا در ضمن مباحثی که مطرح می‌کنند، جنبه‌های متعالی رفتار انسانی است؛ و در داخل تمام نوشته‌های آنها، عنصر محبت و عشق وجود دارد. آنها رابطه میان خود و سایر انسان‌ها را به قدری لطیف بیان می‌کنند که گویی انسان موظف است در برابر سایر انسان‌ها، تنها به یک مقوله به نام «خدمت» بپردازد. در بعضی قسمت‌ها نیز رابطه انسان‌ها با طبیعت مطرح می‌شود. عرفا بعضی‌اها طبیعت به نوعی بر خوردمی‌کنند که با انسان برخورد می‌کنند از این جهت طبیعت خداکان، به هیچ‌مدت درستی‌دام‌بر این زمینه ورود کنیم، حداقل خودم به‌عنوان شاعری در حوزه کودک این اقدام را انجام نخواهم داد. من حداکثر اگر بتوانم شعری بگویم که باعث شادی و انبساط خاطر تا حد زیادی قابل توجه بوده و از این حیث ثروت بسیار بزرگی برای ما به ارث مانده است. قالب‌هایی در زمینه شعر و انواع دیگر ادبی از گذشته به جای مانده‌اند که چنین محتوایی را دربر دارند؛ نمونه‌ها به‌مثابه پاراسایر را پرسید. از عبادت‌ها کدام فاضل‌تر است؟ گفت: تورا خواب نیمروز تا در آن یک نفس خلق رانیزازی؛ ظالمی راخته‌دیدم تیر فتنه‌است خویش برده
گفتم این فتنه‌اش چیست است خویش برده
وآنکه خویش بهتر از بیداری است

آن چنان بدزدگانی مرده‌به
اینها دیگر شماتت نیست، پر خاش است و اعتراض. ولی همه این پر خاش‌ها یا اعتراض‌ها و عصیان‌ها، پر خاشی آموزنده‌است.

• صرف نظر از آثار سعدی، کتاب‌های دیگری علیه‌الرحمه، با چه زبانی در بوستان و گلستان، جوانمردی و دیگر سجایای اخلاقی را باز تاب می‌دهند؛ و آیازبان این دو تفاوت‌هایی باهم دارد؟

پیش از هر چیز این موضوع را تکرار می‌کنم که باید تمام قد از سعدی دفاع کرد به این دلیل که هم زبان شریفی دارد و هم در مقام بی‌اخلاقی، آن را به خود نسبت می‌دهد و فداکاری می‌کند. زبان سعدی یکی از فاخرترین نمونه‌های فارسی است. بوستان که سراسره این موضوعات پرداخته‌است، در مقایسه بین بوستان و گلستان هم باید گفت: گلستان برخلاف این‌که در قالب نثر تولید شده، از بوستان شاعرانه‌تر است اما بوستان این تفاوت را دارد که سراسر، اخلاق است و هیچ یک از ابواب آن عاری از اخلاق نیست. سعدی گاهی اوقات، حکایت‌هایی می‌گوید که حیرت‌انگیز است مثلاً به این نمونه‌توجه کنید:

سگی پای‌صحرائشینی گزید
به خمشی که زهرش زندنان چکید
شب‌از دردیبچاره خوایش نبرد
به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر اجفا کرد و تندى نمود
که آخر تو نیز اندنن نبود؟

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

ما را بس است...

متعلق به بزرگسالان است در قالب شعر به کودک‌کان منتقل کنند؟ به نظر می‌رسد مضامینی که تعریف شد (اعم از جوانمردی و...) مضامین بزرگسالی و متعلق به بزرگسالان است و من به‌عنوان شاعر حوزه کودک‌کان، به هیچ‌مدت درستی‌دام‌بر این زمینه ورود کنیم، حداقل خودم به‌عنوان شاعری در حوزه کودک این اقدام را انجام نخواهم داد. من حداکثر اگر بتوانم شعری بگویم که باعث شادی و انبساط خاطر تا حد زیادی قابل توجه بوده و از این حیث ثروت بسیار بزرگی برای ما به ارث مانده است. قالب‌هایی در زمینه شعر و انواع دیگر ادبی از گذشته به جای مانده‌اند که چنین محتوایی را دربر دارند؛ نمونه‌ها به‌مثابه پاراسایر را پرسید. از عبادت‌ها کدام فاضل‌تر است؟ گفت: تورا خواب نیمروز تا در آن یک نفس خلق رانیزازی؛ ظالمی راخته‌دیدم تیر فتنه‌است خویش برده
گفتم این فتنه‌اش چیست است خویش برده
وآنکه خویش بهتر از بیداری است

آن چنان بدزدگانی مرده‌به
اینها دیگر شماتت نیست، پر خاش است و اعتراض. ولی همه این پر خاش‌ها یا اعتراض‌ها و عصیان‌ها، پر خاشی آموزنده‌است.

• صرف نظر از آثار سعدی، کتاب‌های دیگری علیه‌الرحمه، با چه زبانی در بوستان و گلستان، جوانمردی و دیگر سجایای اخلاقی را باز تاب می‌دهند؛ و آیازبان این دو تفاوت‌هایی باهم دارد؟

پیش از هر چیز این موضوع را تکرار می‌کنم که باید تمام قد از سعدی دفاع کرد به این دلیل که هم زبان شریفی دارد و هم در مقام بی‌اخلاقی، آن را به خود نسبت می‌دهد و فداکاری می‌کند. زبان سعدی یکی از فاخرترین نمونه‌های فارسی است. بوستان که سراسره این موضوعات پرداخته‌است، در مقایسه بین بوستان و گلستان هم باید گفت: گلستان برخلاف این‌که در قالب نثر تولید شده، از بوستان شاعرانه‌تر است اما بوستان این تفاوت را دارد که سراسر، اخلاق است و هیچ یک از ابواب آن عاری از اخلاق نیست. سعدی گاهی اوقات، حکایت‌هایی می‌گوید که حیرت‌انگیز است مثلاً به این نمونه‌توجه کنید:

سگی پای‌صحرائشینی گزید
به خمشی که زهرش زندنان چکید
شب‌از دردیبچاره خوایش نبرد
به خیل اندرش دختری بود خرد
پدر اجفا کرد و تندى نمود
که آخر تو نیز اندنن نبود؟

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش

زاویه

پس از گریه‌مرد پراکنده‌روز
بخندیدی‌کای‌بابک‌دلفروز
مرا گر چه هم سلطنت بودو پیش